

فقیه عارف

مروری بر زندگینامه آیت‌الله بهجت به مناسبت سالگرد رحلت آن فقید سعید...



مروری بر زندگینامه آیت‌الله بهجت به مناسبت سالگرد رحلت آن فقید سعید
آیت‌الله محمد تقی بهجت در اواخر سال 1334 هـ. ق، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان، چشم به جهان گشود. شانزده ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش به سرای باقی شتافت و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید. کربلایی محمود بهجت، پدر آیت‌الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت و اسناد مهم و قباله‌ها به گواهی ایشان می‌رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت(ع) به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین(ع) شعر می‌سرود، مرثیه‌های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

آری آیت‌الله بهجت در کودکی در تربیت پدری که دلسوخته اهل بیت(ع) به ویژه سید الشهداء(ع) بود رشد یافت، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره‌مندی از انوار آن محافل پرورش یافت. نقل کرده‌اند از همان کودکی از بازی‌های کودکانه پرهیز می‌کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فراوانی به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه‌گر بود. فقید سعید تحصیلات ابتدایی حوزه را در مکتب‌خانه فومن به پایان رساند و پس از تحصیلات ادبیات عرب در سال 1348 هـ. ق، هنگامی که تقریباً چهارده سال از عمرش می‌گذشت، برای تکمیل دروس حوزوی عازم(عراق) شد. حدود چهار سال در کربلای معلی اقامت گزید و افزون بر تحصیل علوم رسمی از محضر استادان بزرگ آن سامان همچون مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم خویی(غیر از آیت‌الله خویی معروف) بهره برد.

آن زمان چهارده سال از عمر شریفش می‌گذشت که به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید. بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند: «بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلف شدم» بدین سان، آیت‌الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی ماند و از فیوضات سید الشهداء(ع) استفاده کرد و به تهذیب نفس پرداخت و در آن مدت، بخش معظمی از کتاب‌های فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر فرا گرفت. در سال 1352 هـ. ق برای ادامه تحصیل به «نجف اشرف» رهسپار شد و سطح عالی علوم حوزه را در محضر آیات عظام: حاج شیخ مرتضی طالقانی(ره) به پایان رساند و پس از درک محضر آیات عظام آقا ضیای عراقی و میرزای نایینی(ره)، وارد حوزه درسی آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی شد. افزون بر این، ایشان از محضر آیات عظام حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی(ره)، صاحب حاشیه بر مکاسب و در حوزه علوم عقلی، کتاب «الاشارات و التنبيهات» و «اسفار» را نزد آیت‌الله سید حسین بادکوبه‌ای(ره) فرا گرفت و در زمان شاگردی به تدریس سطوح عالی پرداخت و آنگونه که نقل می‌کنند در تألیف کتاب «سفینه البحار» محدث کبیر، حاج شیخ عباس قمی(ره) یاری و همکاری داشت. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده؛ بلکه عشق به کمالات والای انسانی همراه جان نآرام او را در جست و جوی مردان الهی و اولیای برجسته می‌کشاند.

آیت‌الله بهجت که در زمینه تهذیب نفس در زادگاهش(فومن) از کودکی در محضر عالم بزرگوار «سعیدی» و در کربلا از برخی علمای دیگر بهره برد تا این که در نجف اشرف در سن حدود هجده سالگی با آیت حق، سید علی آقای قاضی(ره) آشنا شد و گمشده خویش را در وجود ایشان یافت. از آن پس در سلک شاگردان اخلاقی - عرفانی ایشان درآمد.

استادان برجسته فقه و اصول

آیت‌الله بهجت پس از اتمام دوره سطح و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، آقا ضیای عراقی(ره) و میرزای نایینی(ره)، به حوزه گران قدر و پر محتوای آیت حق حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی(ره) معروف به کمپانی، وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت. به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری جوال و متحرک و همراه با تیزبینی بوده، بهره‌ها برد.

یکی از شرح حال نویس‌های معاصر درباره استفاده آیت‌الله بهجت از استادان خود می‌گوید: "در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود، استفاده کرده و در اصول از مرحوم آقای نایینی و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده‌های جنبی دیگر»

سیر و سلوک و عرفان

حضرت آیت‌الله بهجت، در کنار تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همت گمارده و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی برآمده که به وجود آقای قاضی که در نجف بوده، پی برده بود. پس از مشرف شدن به نجف اشرف نیز از استاد برجسته خویش آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده‌های اخلاقی کرد. همچنین در درس‌های

اخلاق آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می‌کرد، تا این که در سلک شاگردان حضرت آیت‌الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می‌آید و در سن هجده سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت‌الله سید علی آقای قاضی بار می‌یابد و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می‌گیرد. در عنفوان جوانی چنان مراحل عرفان را سپری می‌کند که غبطه دیگران را بر می‌انگیزد .

نوشته اند: «ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سال‌ها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت‌الله قاضی از کسانی بودند که مُمَحَّص در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه‌های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت‌الله بهجت از اشخاص دیگری نیز که گاه نکاتی نقل می‌کردند مثل مرحوم آیت‌الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران ...

تدریس

آیت‌الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می‌یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می‌پرداخت و سطوح عالی‌ه را در نجف اشرف تدریس می‌کرد .

شیوه تدریس

یکی از علمای معاصر در مورد روش تدریس ایشان می‌گوید: «ایشان در بیان مطالب سعی می‌کردند، ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری(ره) مطرح کنند و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران به خصوص از صاحب جواهر(ره) در طهارت و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته‌ای داشتند آن را نقل می‌کردند و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می‌کردند. این شیوه از یک سو سبب این می‌شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می‌شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه‌های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می‌کردند؛ ولی این باعث می‌شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود .»

آیت‌الله مسعودی که خود سال‌ها از درس حضرت آیت‌الله بهجت بهره برده‌اند درباره ویژگی تدریس ایشان می‌گوید: «سبک درس ایشان سبک خاصی بود. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله‌ای را مطرح می‌کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می‌کنند، سپس یکی را نقد می‌کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می‌پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می‌کنند؛ ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی‌کردند؛ بلکه ابتدا مسأله را مطرح می‌کردند و بعد روند استدلالش را بیان می‌کردند. اگر شاگرد آرای علما را دیده و مطالعه کرده باشد، می‌فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می‌کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می‌کند، می‌فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می‌کند .»

آیت‌الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می‌گوید: «نوعاً ایشان چند مسأله اصلی یا فرعی را که عنوان می‌فرمودند بعد از توجه به ظرافت‌های حدیث و روایت و یا آیه شریفه‌ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه‌ای بین موضوع بحث و سایر بحث‌های مشابه می‌کردند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می‌دادند، آن گاه نتیجه می‌گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می‌کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه(ع) و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است .»

جایگاه علمی

گواهی استادان و هم دوره‌ای‌ها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می‌آید، نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی آیت‌الله بهجت است :

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی به چگونگی تقریر مطالب آخوند خراسانی از سوی استاد اعتراض می‌کند؛ ولی با توجه به این که از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سن و سال‌تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می‌گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می‌شود. سپس خطاب به آنان می‌فرماید: «با آقای بهجت کاری نداشته باشید.» همه ساکت می‌شوند آن گاه استاد ادامه می‌دهد: «دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می‌کردم متوجه شدم که حق با ایشان است.» و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت‌الله بهجت تمجید می‌کند .

یکی از دانشمندان نجف می‌گوید: «ایشان در درس، به مرحوم آیت‌الله کمپانی امان نمی‌داد، و پیوسته بحث‌ها را مورد نقد قرار می‌داد.»

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می‌فرمود: «ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهم، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلس درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می‌دادند معلوم می‌شد اگر بالاتر از دیگران نباشند، بی شک کمتر از آنان نیستند.»

مرحوم علامه محمد تقی جعفری می‌فرمودند: «آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می‌خواندیم، آیت‌الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می‌کردند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می‌کردند، آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می‌شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می‌کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود .»

آیت‌الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب «انوارالملکوت» می‌نویسد: «آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصی سید علی

آقای قاضی می‌فرمودند: آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می‌شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سید باز می‌گشتند، بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می‌رفتند و اشکالشان را رفع می‌کردند و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می‌پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می‌دادند، جواب کافی و شافی، و چون از خواب بر می‌خاستند و از قضایا و پرسش‌های در حال خواب با ایشان سخن به میان می‌آمد، ابداً اطلاع نداشتند و می‌گفتند: هیچ به نظرم نمی‌رسد و از آنچه می‌گویید در خاطر من چیزی نیست. «

آیت‌الله مشکینی(ره) می‌گوید: «ایشان از جهت علمی(هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. «

استاد خسرو شاهی می‌گوید: «بنده در درس فقه خارج خیارات حضرت آیت‌الله شیخ مرتضی حائری شرکت می‌کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت‌الله حائری از حرم بیرون می‌آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می‌فرمایید؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند: «شما که جوان هستید من یک ضابطه‌ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن این که درس کسانی شرکت نکنید که فقط نقل اقوال نکنند؛ بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: «من از اسم بردن معذورم.» عرض کردم: من در درس آیت‌الله العظمی بهجت شرکت می‌کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: «درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه‌ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می‌کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است، هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. «

مرجعیت

با این که ایشان فقیهی شناخته شده بود و بیش از سی سال بود که اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول داشت؛ ولی همراه از پذیرش مرجعیت سرباز می‌زد. تا اینکه با مراجعه مؤمنین و علما مرجعیت ایشان تثبیت شد و به عنوان یکی از مراجع تقلید مورد پذیرش عموم و خواص قرار گرفتند. ما چرا این است که:

وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه‌ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیت‌الله بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده‌ای از علمای دیگر از جمله آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله جوادی آملی و... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال درخواست‌های مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید: ایشان پیش از درگذشت حضرت آیت‌الله اراکی، چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند، پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

پس از رحلت آیت‌الله اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: «فتاوی بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوا را منتشر کنید.» چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان از سوی بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. اما جالب است که به گفته یکی از علما: «بعد از مرجعیت، منزل آیت‌الله بهجت هیچ تغییری نکرد، ملاقات و پذیرایی از بازدیدکنندگان در منزل امکان نداشت؛ لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می‌شد. اصولاً قبول مرجعیت ایشان یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی‌کرد که زیر بار چنین مسؤولیتی برود...»

سرانجام این فقیه عارف در 27 اردیبهشت 1388 دار فانی را وداع گفت و در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. روزنامه اطلاعات